

عدالت آموزشی و سود ارتباطی مبتنی بر تعامل مسجد و مدرسه (الگویی برای مدارس در راستای اسناد بالادستی)

دکتر محمد حسن حسنی^۱

چکیده

در اسناد بالادستی کشور مشارکت نهادهای کشور در جهت پیشرفت اسلامی- ایرانی تاکید شده است. براین مبنا دو ویژگی توسعه یافتگی و هویت انقلاب اسلامی مبنای سیاستگذاریهای جمهوری اسلامی شناخته شده است. در اسناد بالادستی از یک سو مساجد به عنوان یکی از ارکان مهم مدیریت شهری و از سوی دیگر مدرسه به عنوان کانون فرهنگی محله شناخته شده است. برای ایجاد تعامل دوسویه نیازمند شناسایی نقطه مشترک این دو نهاد تاثیرگذار بر فرهنگ جامعه هستیم، بطوریکه با مدیریت به آن، مشارکت پایداری بین آنها بوقوع پیوندد. در این مقاله سعی شده است معنایی از اعتبار بخشی مدارس مبتنی بر الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و با استفاده از معنای سود ارتباطی بر خلاف سود اقتصادی مدارس ارایه گردد و بر مبنای آن، عدالت آموزشی به عنوان نقطه اشتراک پیوند دو نهاد مدرسه و مسجد شناخته شده است. برای ایجاد تعامل بین مدرسه و مسجد (به عنوان نهادهای حکومتی و حاکمیتی) با استفاده از عدالت آموزشی نیازمند تغییر در ساختار مدرسه هستیم که بتواند با نظارت وزارتخانه آموزش و پرورش بصورت مستقل عمل نماید. بدین صورت مدارس می توانند با تعامل مساجد به جذب دانش آموزان بی بضاعت بمنظور برقراری عدالت آموزشی شوند.

واژگان کلیدی: اسناد بالادستی، مساجد، ساختار مدارس، سود ارتباطی، عدالت آموزشی

۱- مقدمه

در سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی که بر اساس مطالعات جامع کارشناسی مجمع تشخیص مصلحت نظام در راستای جهت گیری های مقام معظم رهبری تصویب شده، هشت محور اجرایی تعریف شده است که عبارتند از: اقتصادی، عدالت و رفاه اجتماعی، علم و فناوری، زیرساختی و زیست محیطی، حکمرانی، فرهنگی، سیاست خارجی و امور بین الملل و امور حقوقی- قضایی (مداحی، شاخص های ارزیابی و پایش تحقق سند چشم انداز، ۱۳۹۳). در این سند دو ویژگی مبنای سیاست گذاری قرار گرفته است: ۱- توسعه یافتگی ۲- هویت انقلاب اسلامی (همان).

با توجه به محورهای هشتگانه سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران و دو ویژگی مبنایی سیاست گذاری های سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران، مسجد و مدرسه می توانند به عنوان دو نهاد مهم در تحقق سند چشم انداز و الگوی

۱- سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، -hassani_1382@yahoo.com

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و سومین خردادماه ۱۳۹۸

اسلامی ایرانی پیشرفت، نقش آفرینی نمایند. در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، مسجد به عنوان یکی از ارکان مهم مدیریت شهری شناخته شده است (کشوری، ۱۳۹۶)، بنابراین لازم است سازوکارهایی که منجر به تعامل پایدار مسجد با نهادهایی مانند مدرسه است را تعریف نماییم. در سند تحول بنیادین مدرسه به عنوان کانون فرهنگی محله شناخته شده است. بنابراین لازم است ساختاری برای مدارس ترسیم گردد تا مشارکت پایداری بین مسجد به عنوان یکی از ارکان مدیریت شهری با مدرسه به عنوان کانون فرهنگی محله شکل گیرد.

فلسفه سیاسی برای ملاحظه سیاست و مساله تعامل پایدار مساجد و مدارس بر بنیان کنشهای فردی افراد و سیاستهای دولتی استوار است و لازم است به نحوی ترسیم گردد که بیشترین خیر را برای بیشترین افراد داشته باشد. لذا از آنجاییکه نظام جمهوری اسلامی اساس خود را بر مشارکت مردم در مدیریت نظام بنا نهاده است، بنابراین مهمترین مبنای است که منجر به تنظیم نسبت فرد و جامعه می گردد و می تواند با نظارت توأمان حکومت و حاکمیت بر آموزش و پرورش و تفویض اختیار و تمرکززدایی امور آموزشی و پرورش با مشارکت ذینفعان آموزش و پرورش صورت پذیرد. آنچه مسلم است مشارکت و تعمیق ارتباط بین مدارس و مساجد به روش دستوری و ابلاغیه و یا از طریق توانمندی مقطعی مدیران پایدار و استمرار نمی گردد بلکه نیازمند استانداردهایی است که براساس آن موجب پاسخگویی نهادها گردد. برای تبیین استاندارد مدارس نیازمند استقلال اقتصادی برای مدارس هستیم. چنین استقلال مستلزم در نظر گرفتن سود مدارس و با توجه به تاکید بر ارزشهای اسلامی تبیین این سود می بایست برخلاف سود اقتصادی باشد که در نظام لیبرالی از آن تعریف شده است. لذا برای ایجاد استقلال مدارس مبتنی بر تعامل با نهادهای محلی که در سند تحول بنیادین بر آن تاکید شده است بر سود ارتباطی (کشوری، ۱۳۹۷) بجای مفهوم سود اقتصادی استفاده خواهیم کرد. براساس سود اقتصادی در نظام لیبرالی برای ایجاد عدالت در مدارس از ارایه کوپن آموزشی^۲ بهره می برند.

نبود همگرایی بین نهادهای حکومتی و حاکمیتی موجب ایجاد فعالیتهای موازی می شود که فرصتها را برای اثربخشی فعالیت های فرهنگی در راستای الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت از بین می برد. بدین منظور نیاز است ساختاری برای نهادهای حکومتی و حاکمیتی ایجاد گردد که در آن، زمینه های تعامل فراهم گردد، بطوریکه نهادها در فرآیند عملکرد خود بمنظور پاسخگویی، به یکدیگر نیاز داشته باشند. هدف هفتم از سند تحول بنیادین بدنبال افزایش نقش مدرسه به عنوان یکی از کانون های پیشرفت محلی می باشد که براین اساس زمینه سازی جهت نقش آفرینی مدرسه با تفویض اختیار و استانداردهای عوامل درون مدرسه ای به عنوان راهکاری مشخص در سند تحول بنیادین آورده شده است. از سوی دیگر نهادینه سازی و تقویت همکاری مدرسه با مسجد و کانون های مذهبی و حوزه علمیه و مشارکت فعال و نظام مند مدیران و معلمان از طریق برقراری ارتباط سازمان یافته از جمله مواردی است که به طور مشخص در سند تحول بنیادین آورده شده است. لذا برای دستیابی به برقراری ارتباط سازمان یافته مدارس و مساجد به عنوان کانون های پیشرفت محلی و جلوه ای از جامعه اسلامی نیازمند سیاستها و برنامه های ویژه هستیم تا طراحی و به مرحله اجرا گذاشته شود بطوریکه موجب ارتقاء کارایی، اثربخشی، توسعه و نهادینه کردن عدالت آموزشی و تقویت مشارکت اثربخش و مسئولیت پذیری دو نهاد مهم در آموزش و پرورش گردد.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

بسیاری از آسیب‌های فعلی تعلیم و تربیت ناشی از فقدان برنامه‌ریزی جامع به آموزش و پرورش است که خسارت‌های زیادی را ببار آورده است. بمنظور ایجاد برنامه‌ریزی جامع در آموزش و پرورش می‌طلبد که تلفیقی میان اسناد بالادستی موجود و استفاده از ظرفیت آنها در جهت دستیابی به آموزش و پرورش طراز جمهوری اسلامی ایران شکل گیرد. بمنظور تلفیق موثر راهبردهای موجود در اسناد، نیاز است قوانین موجود در اسناد بالادستی بخوبی مورد تفسیر و بررسی دقیق برای عملیاتی شدن آن قرار گیرد. بدین منظور با توجه به هدفی که برای مدارس در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در چشم‌انداز ۱۴۰۴ ترسیم شده است، مدرسه را نقطه اتکای دولت و ملت در رشد، تعالی و پیشرفت کشور و کانون تربیت محله (فصل چهارم سند تحول بنیادین) دانسته است؛ از سوی دیگر هدفی که برای کانون‌های فرهنگی مساجد در نظر گرفته شده است عبارت است از: زمینه سازی برای حضور فعال جوانان و نیروهای متعهد در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و هنری و شناسایی و تربیت استعداد‌های درخشان و استفاده از اوقات فراغت جوانان و حفظ و ترویج فرهنگ بسیجی.

بر اساس این رویکرد یک محتوای سازمانی برای مساجد مورد نیاز است تا بتوان نسبت به تشخیص راه‌های دستیابی به ارتباط سازمان یافته با مدارس اقدام نماید. بدین شکل که ارتباط نظام‌مند و مکانیکی اولیه بین دو نهاد مانند مدارس و مساجد در گام‌های بعدی موجب تعمیق حضور ارگانیک و پویا و اثربخش روحانیون توانمند و مبلغان مذهبی در مدارس شود. سنجش و ارزیابی تحقق ارتباط نظام‌مند و مکانیکی بین مدارس و مساجد با تحقق عدالت آموزشی ممکن خواهد شد. هدف مقاله حاضر این است که ساختاری را برای مدارس پیشنهاد دهد تا براساس آن نیازی از سوی مدارس برای تحقق عدالت آموزشی بوجود آید و پاسخگوی این نیاز مساجد باشند.

۲- بیان مساله

هر برنامه‌ریزی تابع منافع فرد یا گروهی است که طراحی برنامه‌ریزی را بر عهده دارند. با توجه به اهمیتی که حوزه آموزش و پرورش در توسعه انسانی و پایدار کشور برعهده دارد، سیاست‌های برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش نباید تحت تاثیر منافع افراد و گروه‌های سیاسی در دوره‌های مختلف حکومتی قرار گیرد. در قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) دولت مکلف است برای ایجاد تحول در نظام تعلیم و تربیت اقدامی مغایر با قانون و سند تحول بنیادین انجام ندهد (بند اول ماده ۶۳ قانون برنامه ششم توسعه). همچنین آموزش و پرورش به عنوان امر حاکمیتی شناخته شده است و دولت موظف است با توسعه همکاری دستگاه‌های اجرایی به ارتقای جایگاه آموزش و پرورش مبادرت ورزد (همان، بند سوم).

باید توجه داشت که اثر یک تصمیم‌گیری در حوزه آموزش و پرورش تاثیرات طولانی مدت به همراه خواهد گذاشت که جبران آن هزینه‌های کلانی را در آینده‌ای دور بر کشور تحمیل خواهد نمود. بنابراین نیاز است نظام کنترلی بر تصمیم‌گیری کارگزاران و سیاستمداران بر آموزش و پرورش وجود داشته باشد تا بتوانند براساس برنامه‌های طولانی مدت کشور که حاکمیت کشور بدنبال آن است برنامه‌ریزی نموده و نسبت به اجرای آن نیز پاسخگو باشند. این تصور که حفظ منافع همگانی را دغدغه خاطر سیاستمداران بدانیم تصویری غیرواقعی و خوش‌بینانه توصیف شده است (الوانی به نقل از هاردین، ۱۳۷۸). سیاستمداران و کارگزاران بخش عمومی می‌کوشند تا با ائتلاف، منافع بیش‌تری را برای خود و گروهی کسب کنند که عضو آن هستند و در این جریان مصالح حاکمیت و شهروندان و مالیات دهندگان نادیده انگاشته می‌شود یا در درجه دوم اولویت به آن می‌پردازند (همان).

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

برای منفعت همگانی جامعه در ساختار آموزش و پرورش بخصوص مدارس و نحوه مدیریت آن نیاز است تحول و اصلاح اساسی صورت گیرد. ساختار موجود در اداره مدارس نمی‌تواند شیوه مناسب برای تحقق منافع جامعه و اهداف آموزش و پرورش باشد. از سوی دیگر استفاده از سیاست خصوصی‌سازی برای مدارس نیز موجب عدم تحقق اهداف آموزشی و اثربخشی آموزش و پرورش می‌شود. تجربه کشورها نشان داده است که سیاست خصوصی‌سازی با استفاده از کوپن آموزشی به شکست منجر شده است. لذا برای شرایط فرهنگی، اقتصادی کشور نیازمند ایجاد وضعیتی هستیم که بتواند ارتباط نهادهای مختلف را براساس سود ارتباطی بین آنها رقم بزند.

با توجه به اینکه برنامه‌ریزی‌ها تابع منافع افراد و گروه‌های سیاسی می‌باشد نیاز است چتر حمایتی برای توسعه کشور از سوی حاکمیت برای نظارت و کنترل گسترده شود تا برنامه‌های آموزش و پرورش طی دوره‌های مختلف از همسویی برخوردار گردد. نظارت بر عملکرد کارگزاران دولت از طریق چتر حمایتی زمانی تحقق پذیر می‌گردد که از مولفه‌های قابل اندازه‌گیری برخوردار باشد.

بدون شک تأثیرپذیری نظام آموزشی از جامعه، منشأ تأثیر دیدگاه‌های رایج درباره عدالت اجتماعی بر تبیین‌های ارائه شده از عدالت آموزشی است. از آنجاییکه نیل به عدالت از ارکان اساسی الگوی پیشرفت اسلامی می‌باشد و نیل به عدالت ترجمانی دیگر از پیشرفت است و رویکرد پیشرفت بدون لحاظ عدالت میسر نمی‌باشد و بدست نمی‌آید، لذا عدالت در کانون الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت جانمایی شده است. ایجاد بستر برنامه‌ریزی برای نهادینه کردن عدالت آموزشی دانش‌آموزان، نیازمند انعطاف در توسعه فرهنگی و اجتماعی نهادهای مرتبط است. چنین برنامه‌ریزی مستلزم ایجاد ساختاری برای همگرایی نهادهایی است که متولی توسعه فرهنگ پایدار و جلوه‌ای از جامعه اسلامی و حیات طیبه محسوب می‌گردند. برای آماده کردن چنین بستری نیازمند رفع موانع برای همگرایی نهادهای وابسته به توسعه فرهنگی می‌باشیم. مانع اصلی عدم همگرایی نهادها برای توسعه فرهنگی دانش‌آموزان فعالیت جداگانه و مستقل نهادهای متولی مانند آموزش و پرورش و ارشاد اسلامی از یکسو و وجود نظام بروکراتیک و متمرکز آموزش و پرورش جهت ایجاد مدیریت محلی در ایجاد ارتباط مدارس با مساجد است.

همگرایی نهادهای بین مدارس و مساجد حاصل برنامه‌ریزی توسعه، شناخت و تبیین مولفه‌هایی است که توسعه‌یافتگی فرهنگی را رقم می‌زنند. اما برای اجرای آن نیازمند ایجاد بستر است که مدارس بتوانند ظرفیت نهادهای محلی مانند مساجد را بسیج نمایند.

۳- ایجاد بستر عدالت آموزشی از طریق سود ارتباطی زمینه ساز تعامل مساجد و مدارس

در چهارچوب نظری فلسفه صدرایی، انسان با کنش خویش هستی خود را می‌آفریند. انسان بخشی از هستی است که در متن قوانین آن، تغییرات وجودی خود را با عمل و کنش مدیریت پذیر خود رقم می‌زند. در حکمت صدرایی تغییرات مستمر به خداوند نیاز دارد لذا تداوم ربوبیت خداوند، تداوم خالقیت خداوند است. ربوبیت الهی به معنای آفریدن وجود مستمر آدمی است. در این معنا انسان با برداشتن هرگام، یعنی خلق خویش با عمل و رفتار خویش، خلافت و جانشینی حقیقی و تکوینی خداوند را محقق می‌سازد (رفیعی، ۱۳۹۶). چنین معنایی بیانگر آن است که مالکیت انسان برای مدیریت بر امور دنیوی اعتباری است و قوامش به وضع و اعتبار بوده (طباطبایی به نقل از هادوی‌نیا، ۱۳۷۹). در این چهارچوب نظری، برخلاف لیبرالیسم، جامعه چونان فرد، دارای هستی موثر بر فرد است. انسان به عنوان یک فرد، همه تغییرات وجودی خویش را در تعامل با جامعه رقم می‌زند. اصالت توأمان فرد و جامعه، مبنای اساسی تنظیم نسبت فرد و جامعه

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

در مقایسه با اندیشه‌های لیبرالیسمی است (رفیعی، همان) که می‌تواند مبنایی نظری را برای دستیابی به آموزش و پرورش طراز جمهوری اسلامی ایران فراهم نماید.

براساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تحقق عدالت آموزشی در جامعه نیازمند مشارکت آحاد جامعه است. بدین منظور لازم است ساختاری برای جامعه ترسیم گردد که مبتنی بر آن ارتباط منسجمی مابین آحاد جامعه، مساجد و مدارس شکل گیرد. از مهمترین چالش‌های آموزش و پرورش از نظر صاحب‌نظران، فقدان نهادهای سازنده تفکر راهبردی و برنامه‌ای در ساختار مدیریت نظام آموزش و پرورش و روزمرگی آن در برابر حاکمیت شناخته شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۴).

مبنایی نظری قانون اساسی جمهوری اسلامی نوعی از مردمسالاری مبتنی بر دین تعریف شده که با دموکراسی اجتماعی، تطابق و همخوانی دارد و براساس آن فرآیندی برای تحقق عدالت تعریف شده است که فراتر از تفکر لیبرالی می‌باشد. لذا بمنظور اجرایی شدن قانون اساسی جمهوری اسلامی نیازمند ساختاری متناسب جهت نهادهای مردمسالاری در جامعه می‌باشیم. با توجه به آنکه عملکرد هر جامعه‌ای تحت تاثیر شناخت، نظام، باورها و نهادها است؛ بدین منظور آموزش و پرورش به عنوان مهمترین نهادی که با خیل عظیمی از آحاد جامعه در ارتباط نزدیک است و ماهیت آن بر محوریت مردم نهاده شده است، حساسترین نهادی است که می‌تواند با تاثیرگذاری بر شناخت، نظام باورها نقش عمده‌ای را بمنظور مشارکت آحاد جامعه ایفا نماید.

براساس بند الف از ماده ۶۳ قانون برنامه پنجساله ششم (۱۴۰۰-۱۳۹۶) که بر ارتقای جایگاه آموزش و پرورش به عنوان اجرای سیاست‌های مصوب به عنوان امر حاکمیتی با توسعه همکاری دستگاه‌های اجرایی تاکید دارد دستیابی به مولفه‌های برنامه توسعه نیز مستلزم دستیابی به تعامل پایدار در نهادهای عدالت آموزشی می‌باشد. این امر مستلزم این است که ساختار آموزش و پرورش از شکل بروکراتیک فعلی که همخوانی لازم با فرهنگ بومی کشور ندارد جدا شده و براساس اصل کانون فرهنگی محله اشاره شده در سند تحول بنیادین ارتباط ارگانیک و پویا با نهادهای محلی موجود در محیط خود داشته باشد.

تعمیق ارتباط نهادهای بومی و محلی مانند مساجد با مدارس نیازمند ارتباط پایدار این نهادها با یکدیگر است. چنین ارتباطی را نمی‌توان بصورت دستوری و یا براساس توانمندی فردی افراد در نهادها و مدارس تعمیق بخشید چون با تغییر مدیریت مدرسه یا نهادها ممکن است ارتباط متقابل از بین برود. لذا لازم است بدنبال عاملی که موجب استمرار ارتباط نهادهای محلی مانند مساجد با مدارس بود. چنین عاملی نیازمند آن است که از یکسو از استاندارد لازم برخوردار باشد و از سوی دیگر مبتنی بر ارزشهای اسلامی و نه نگاه غربگرایانه متکی شود. استانداردسازی مدارس متکی است بر استقلال عملکردی مدارس و استقلال عملکردی مدارس نیز وابسته به افزایش کیفیت مدارس از طریق جذب دانش‌آموزان می‌باشد. بمنظور جذب دانش‌آموزان بخصوص دانش‌آموزان بی‌بضاعت نسخه غربی برای استقلال مدارس از مفهوم‌سازی سود اقتصادی مدارس استفاده می‌کند و براساس آن ترجیح می‌دهد که کوبین آموزشی به دانش‌آموزان بی‌بضاعت داده شود تا اینگونه از دانش‌آموزان با استفاده از هزینه آموزش اختصاص یافته به تحصیل بپردازند. اما از آنجاییکه در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نمی‌توانیم محور تعادل اجتماعی را سود اقتصادی قرار دهیم (کشوری، ۱۳۹۷) لذا برای تحقق عدالت آموزشی نیز نمی‌توانیم سود اقتصادی مدارس را در اولویت قرار دهیم. براین اساس سود ارتباطی نه سود اقتصادی

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ها، چالش ها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین وبسوم خردادماه ۱۳۹۸

را اصل قرار خواهیم داد. سود ارتباطی عبارت از آن سودی است که انسان از ارتباط با یکدیگر در جهت تکامل می برد (همان).

با توجه به مبانی قانون اساسی و اسناد بالادستی جمهوری اسلامی که بر مردم سالاری و مشارکت آحاد جامعه تاکید دارد و از آنجایی که دستیابی به مولفه های برنامه توسعه در آموزش و پرورش مستلزم عدالت آموزشی است لذا ایجاد سازوکارهای تحقق عدالت آموزشی برای دانش آموزان می تواند بستری را برای تعمیق تعامل مساجد و مدارس فراهم نماید. همانطور که در شکل (۱) دیده می شود افزایش محسوسی در ثبت نام مدارس خصوصی طی سالهای ۲۰۱۴ الی ۲۰۱۷ در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران وجود داشته است (بانک جهانی به نقل از یونسکو، ۲۰۱۷). این به معنی کاهش عدالت آموزشی در سطح کشور می باشد. در حالیکه این آمار مغایرت با اسناد بالادستی و بخصوص اصل ۳۰ قانون اساسی دارد.



شکل (۱) درصد پوشش مدارس خصوصی کشور در چند سال گذشته، منبع بانک جهانی ۲۰۱۸

به زعم این مقاله با افزایش کارایی در مدیریت مدارس می توان با همین بودجه تخصیص یافته به آموزش و پرورش عملکرد اثربخشی را برای مدارس رقم زد، به نحوی که منجر به عدالت آموزشی در مدارس نیز گردد. لذا بمنظور افزایش عدالت آموزشی در سطح کشور لازم است تغییراتی در ساختار مدارس بوجود آید. از سوی دیگر آنچه مشخص است ایجاد عدالت آموزشی بدون رقابت پذیری مدارس و افزایش سطح دسترسی دانش آموزان سخت و در واقع امکان پذیر نیست (نادری، نقل به مفهوم ۱۳۸۹). بنابراین لازم است از عوامل تاثیرگذار و مرتبط با فرهنگ جامعه برای افزایش عدالت آموزشی استفاده نمود.

همانطور که در بند الف از ماده ۶۳ قانون برنامه پنجساله ششم (۱۴۰۰-۱۳۹۶) ارتقا جایگاه آموزش و پرورش را امری حاکمیتی دانسته است لذا از مهمترین عامل تاثیرگذار حاکمیتی مرتبط با فرهنگ جامعه یعنی مساجد بمنظور افزایش عدالت آموزشی در جامعه می توان استفاده نمود؛ بطوریکه موجب برآورده شدن نیاز مدارس توسط مساجد شود. اما برای

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

این منظور نیاز به سازوکارهایی در ساختار مدارس است که موجب ایجاد تعامل پایدار ذینفعان آموزشی با مدارس گردد. سازوکارهای ساختاری مدارس، ارتباط مستقیم با نوع مدیریت مدارس دارد.

۴- مدیریت مدارس مبتنی بر تعامل مساجد و مدارس

در یک الگوی کلی می‌توان مشارکت را تابع دو عامل نهادی و نگرشی دانست. رفتار مشارکت‌جویانه در زمینه نهادی روی می‌دهد. مشارکت در معنای ساده آن به معنای کارکردن با یکدیگر است که در ساختار ارتباط انسانی از اهمیت فراوان برخوردار است. معنی مشارکت کلمه زیبای شعاری و بعنوان کلمه‌ای که مد روز و جدید باشد نیست؛ بلکه برای مشارکت در معنای واقعی خود تاکید بر این است که تنها داشتن ارتباط کافی نیست بلکه کیفیت کاری که می‌کنیم با اهمیت می‌باشد. آنچه که در مشارکت واقعی مورد نظر است این موضوع است که ارتباط بین دو طرف به نحوی باشد که به عنوان اهداف طرفین شناخته شود و طرفین از نتایج آن بهره‌مند گردند (مونتوری و کانتی، ۱۹۹۵). در شرایط مشارکت، رقابت موجب ایجاد چالش برای انتخاب بهترین‌ها می‌گردد و عاملی است برای اینکه مهارت‌ها با استانداردها مورد آزمون قرار گیرد و موجب الگوبرداری از یکدیگر می‌گردد. فلسفه مشارکت بر این اعتقاد است که افراد و نهادها در صورت ارتباط با یکدیگر می‌توانند کارهای بزرگی انجام دهند (همان). در دیدگاه مشارکت علل کوچک موجب اثرات بزرگی می‌شوند مانند انداختن یک سنگریزه در دریاچه‌ای از آب موجب بوجود آمدن موج در سطح وسیعی از دریاچه خواهد شد.

اهداف هر سازمان مشخص‌کننده استفاده از نوع مدیریت خاص است. چون هر سازمانی ماهیتاً از اهدافی برخوردارند بنابراین اهداف متفاوت سازمان‌ها موجب تمایز ساختاری می‌گردد. اهداف آموزش و پرورش دارای ویژگی منحصر بفردی است که آنرا از سایر سازمان‌ها متمایز می‌نماید. مهمترین ویژگی آن ارتباط گسترده آن با محیطی است که در آن قرار دارد. با توجه به این ویژگی ساختار آموزش و پرورش نیز باید بنحوی ترسیم گردد که متناسب با این هدف قرار گیرد. با توجه به اینکه سازمان‌ها متشکل شده است از افرادی که برای هدفی معین فعالیت می‌کنند لذا با توجه به اهداف آموزش و پرورش و سازمان مدارس که از ساختاری ارگانیک و پویا برخوردار است بنابراین مدارس نیاز دارند با محیط خود در تعامل باشند. چنین ساختار ارگانیک و پویایی که مستلزم مشارکت آموزش و پرورش با محیط خود و مردمی کردن آن می‌باشد نیازمند مدیریتی متناسب با ویژگیهای آموزش و پرورش و ارزشهای حاکم بر یک جامعه دینی می‌باشد.

بدلیل ویژگیهای متفاوت آموزش و پرورش با سایر سازمان‌ها (علاقه‌بند، ۱۳۷۹) ایجاد شرایط کاملاً خصوصی در آموزش و پرورش امکان‌پذیر نیست، بدلیل آنکه مدارس جزئی از بخش دولتی به شمار می‌روند که از شرایط مختلف و دستورهای اداری پیروی می‌کنند. تشکیلات اداری مدارس به همان اندازه که از معیارهای اقتصادی پیروی می‌کند از معیارهای سیاسی نیز تاثیر می‌پذیرد (کارنوی، ۱۳۸۰). مدرسه به‌عنوان یک سیستم اجتماعی از واحد سیاسی تصمیم‌گیری برخوردار است (علاقه‌بند، ۱۳۷۸) که در معرض فشار والدین و خواسته‌های وزارتخانه و فشارهای اجتماعی و سیاسی و اداری قرار دارد و می‌توان آنرا یک دولت کوچک مردم‌سالار در نظر گرفت (کارنوی، ۱۳۸۰). در این زمینه کارنوی معتقد است که افزایش مشارکت معلمان در تصمیم‌گیری مدرسه و حتی مدیریت مدرسه موجب افزایش ثمربخشی معلمان می‌شود و این ثمربخشی برای کلیه سطوح مشارکت در مناطقی که دانش‌آموزان از وضعیت اجتماعی-اقتصادی بالاتری برخوردارند، بیش‌تر است. اعطای حق تصمیم‌گیری بیشتر به معلمان سبب افزایش خود اثربخشی معلمان می‌گردد.

با توجه به اینکه در مباحث مطرح شده در بالا بر عامل اقتصادی برای ایجاد تعامل پایدار اولیه بمنظور تعمیق ارتباط مساجد و مدارس مطرح شده است لذا نیازمند شناسایی و ایجاد مدیریتی مبتنی بر تعامل در ساختار مدارس وجود دارد

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و بیست و سومین خردادماه ۱۳۹۸

که بتواند ارتباطی ارگانیک با محیط اطراف خود برقرار نماید. بسیاری از تئوری‌های مدیریتی از اواخر دهه ۱۹۴۰ برای دستیابی به نوآوری و گسترش کارآفرینی و در نهایت بهبود کارایی و اثربخشی بر مشارکت و مسئولیت دهی کارکنان تاکید داشتند و راههایی را برای بهبود کارایی یا اثربخشی مبتنی بر مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری پیشنهاد کرده‌اند بطوریکه ماری پارکر فالت انگیزه‌های اصلی روابط انسانی، به ویژه واکنشهای فردی در درون گروههای اجتماعی را تجزیه و تحلیل کرد تا شکل‌گیری گروهها و مکانیسمهای سازش افراد و گروههای اجتماعی را توضیح دهد. یکی از علمای مدیریت و اقتصاد (هربرت سایمون)، مدیریت را معادل تصمیم‌گیری دانسته و این وظیفه را بهترین و اصیل‌ترین نقش مدیر قلمداد کرده است (قنادان، ۱۳۹۱).

در تبیین الگوی تعامل و توسعه پایدار مدارس، نقش برجسته تمرکززدایی در آموزش و پرورش با رویکرد مدیریت محلی بر هیچکس پوشیده نیست. این نوع برنامه‌ریزی نیازمند ایجاد ساختار می‌باشد که شاخص کلیدی برای نتایج راهبردی و عملی توسعه پایدار ارتباط بین مساجد و مدارس قلمداد می‌شود. تحقق برنامه‌های مبتنی بر مدیریت محلی از برنامه‌ریزی برای توسعه عدالت آموزشی از قوانین جهانشمول و اثباتی (*positive*) تبعیت نمی‌کند بلکه دارای ویژگی‌های موردی و هنجاری (*normative*) است؛ بنابراین مدیریت محلی مدارس در واقع هنری در بسیج نهادهای محلی محسوب می‌گردد.

بنابراین برای نهادینه کردن چنین ارتباطی نیازمند وجود آمدن قوانین و دستورالعمل‌هایی هستیم که ارتباط مدنی نهادهای وابسته را برحسب همگرایی بیرونی نهادهای مرتبط تقویت نماید و از سوی دیگر برنامه‌های داخلی آموزش و پرورش و نهادهای نیز طی مراحل خود از همگرایی داخلی برخوردار باشند و برنامه‌ها بتوانند یکدیگر را تکمیل نمایند. برمبنای این دو همگرایی بین نهادهای وابسته به توسعه فرهنگ اسلامی و برنامه‌های مستمر داخلی آموزش و پرورش و نهادهای متولی، تدوین برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای همگرایی نهادهای وابسته به فرهنگ اسلامی از چارچوب مشخصی برخوردار خواهد بود که نیاز است این دو مبحث در تدوین سیاست‌گذاری‌های کلان توسعه در آموزش و پرورش و نهادهای وابسته در صدور قوانین و دستورالعمل‌های اداری و شرح وظایف نهادهای مذکور در نظر گرفته شود.

در صورت تدوین قوانینی برای ارتباط میان نهادهای مرتبط و تدوین برنامه‌های منسجم در برنامه‌های مختلف نهادهای متولی برنامه‌های فرهنگی و با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی منطقه‌ای در توسعه فرهنگی و اجتماعی، اداره مدارس با استفاده از مدیریت محلی-منطقه‌ای شاخص کلیدی برای ایجاد ارتباط مدارس و مساجد محسوب می‌گردد که یکی از عوامل زیربنایی توسعه عدالت آموزشی نیز محسوب می‌گردد. در واقع اداره مدارس بصورت مدیریت محلی، الگوی پایداری را برای استراتژی توسعه آموزش و پرورش حل مشکلات فرهنگی-اجتماعی بوجود می‌آورد. در این شرایط مشارکت محلی با تمرکز بر توسعه درونزا با تعامل مدارس و نهادهای محلی مانند مساجد، نقش مهمی را در بهبود مدیریت محلی ایفا می‌کند.

به لحاظ معیارهای علمی مدیریت و نیز ویژگی‌های دینی و ارزشی ممتاز، مدیریت مشارکتی می‌تواند توانایی‌های خاصی را در مدارس ایجاد کند که عبارتند از:

تصمیم‌گیری مشارکتی توسط نهادهایی که به موضوع تصمیم ارتباط دارند. سبک خاص رهبری به‌طور عمده جنبه‌ی هدایتی و تفویضی دارد و نه دستوری و تحکم.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

انعطاف‌پذیری سازمانی به‌نحوی که همواره ساختار و نیروی انسانی، متناسب با وظایف و مأموریت‌های جدید متحول شوند.

برخورداری از نیروی انسانی متعهد، متخصص و باانگیزه که همواره در یک فرآیند رشد و ارتقای علمی و تجربی قرار گرفته‌اند.

فضای باز سازمانی برای ابراز نظرات و دیدگاه‌ها و برخورد آرا، زمینه‌ی بروز خلاقیت‌ها و ابتکارات را فراهم ساخته است. (بیدخوری، ۱۳۸۶)

اجرای کردن این معیارها برای توانمندسازی مدیران مدارس مستلزم ایجاد تغییر در بخش ساختاری و ایجاد فضای قابلیت‌زای است. ایجاد چنین فضایی مستلزم ترسیم ساختاری پویا و ارگانیک است که ارتباط موثر مدارس با مراکز فرهنگی جامعه موجب تقویت و هم‌افزایی مدیریت مشارکتی در آموزش و پرورش گردد. چنین ساختاری نیازمند نظارت مستمر و پویا و در عین حال نظارت همراه با پشتیبانی و شفافیت به مدیران می‌باشد. لذا برای ایجاد تحول مبتنی بر مدیریت مشارکتی در آموزش و پرورش نیازمند تغییر ساختاری مدارس است تا مولفه‌های مدیریت مشارکتی به اقدام و عمل منتهی گردد. از آنجاییکه بیش از ۹۷ درصد بودجه آموزش و پرورش صرف مدارس می‌گردد لذا برای ایجاد تغییر نیازمند تغییر رویکرد مدیریتی مدیران مبتنی مشارکت با نهادهای محلی است که این مستلزم فراهم کردن ساختاری برای مدارس است تا ارتباط مدارس با نهادهای دینی مانند حوزه علمیه و مساجد محل تنگاتنگ گردد.

۵- کاهش هزینه در آموزش و پرورش و سازماندهی مبتنی بر مدیریت مشارکتی

مهمترین مسأله‌ای که هم‌اکنون گریبانگیر مدیریت در حوزه وزارتخانه است نابسامانی نیروی انسانی در آموزش و پرورش می‌باشد. یعنی وجود نیروهای مازاد در آموزش و پرورش و مدارس موجب افزایش هزینه آموزش و پرورش و کسری بودجه در آموزش و پرورش شده است. بر اساس آمار نیروی انسانی موجود در آموزش و پرورش شهر تهران تعداد کارمند در آموزش و پرورش شهر تهران اعم از معلم و کارمند اداری در مدرسه و مناطق نزدیک به ۶۰۰۰۰ نفر برآورد شده است. از این تعداد ۳۶۰۰۰ نفر معلم در کلاس‌ها مشغول به تدریس می‌باشند یعنی تعداد ۲۴۰۰۰ نفر به کارهایی غیر از تدریس در کلاس مشغولند که این میزان هزینه‌ای است که بر آموزش و پرورش تحمیل می‌گردد. لذا در صورتی که ساماندهی نیروی انسانی در مدارس به شکلی سامان یابد که مدیریت مدرسه بر اساس تعداد دانش‌آموز جذب شده در مدرسه نیروی انسانی به کار گیرد حجم بسیار زیادی از نیروهای مازاد در بدنه آموزش و پرورش کاسته خواهد شد و منجر به کاهش هزینه‌های مازاد خواهد شد.

از سوی دیگر بدلیل آنکه بودجه مدارس دولتی از سوی وزارتخانه آموزش و پرورش تامین می‌گردد لذا مدیران دولتی در مدارس تلاشی در جهت جذب دانش‌آموزان نخواهند کرد و سعی در جذب حداقلی دانش‌آموزان خواهند کرد. این موضوع هر ساله موجب نارضایتی والدین مدارس بدلیل عدم تمکن مالی آنان برای رجوع به مدارس غیرانتفاعی و پرداخت شهریه می‌گردد. از سوی دیگر مدیران مدارس دولتی نیز بدلیل بودجه ناکافی مدارس دچار دردسر برای جذب هستند. لذا پذیرش کمتر دانش‌آموزان برایشان امکان‌پذیرتر است.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

این شرایط موجب کاهش عدالت آموزشی در مدارس شده است. بطوریکه از یکسو در ناحیه‌ای از آموزش و پرورش برخوردار، بدلیل رانت ارتباطاتی با مازاد نیروی انسانی مواجهه هستند و از سوی دیگر در ناحیه دیگر با کاهش. بدین شکل مدارس در نواحی که با کاهش نیروی انسانی برخوردارند سعی در افزایش دانش‌آموز در کلاس برای جبران کمبود معلم خواهند نمود که خود موجب کاهش اثربخشی تدریس خواهد گردید.

مدیریت مشارکتی مبتنی بر عدم تمرکز در مدارس ساماندهی نیروی انسانی از یکسو و تلاش مدرسه برای جذب دانش‌آموزان حتی بی‌بضاعت در مدرسه خواهد شد. بدین شکل مدارس گامی را در جهت برقراری عدالت آموزشی خواهند برداشت. مهمترین ابزاری که برای این مهم، مدیریت مشارکتی مدرسه می‌تواند استفاده کند ایجاد تعریف جدیدی از تخصیص سرانه دانش‌آموزی به مدارس است. در واقع در بودجه ریزی جدید برای مدرسه، آموزش و پرورش می‌تواند تمامی هزینه‌هایی که برای یک مدرسه اختصاص می‌یابد را بنا بر آمایش سرزمین مدرسه‌ای که در یک منطقه واقع است برآورد نماید. براین اساس حقوقی که به معلمان و کارکنان می‌پردازد و هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای مدارس را مبتنی بر منطقه‌ای که مدرسه در آن قرار دارد برآورد نموده و به تعداد دانش‌آموزی که مدرسه جذب می‌نماید به مدرسه اختصاص دهد. بدین صورت نوعی از بودجه‌ریزی عملیاتی در مدارس اتفاق می‌افتد.

اما ارتباط مدارس با محیط اطراف خود مانند مساجد چگونه می‌تواند به اجرایی شدن بودجه ریزی عملیاتی کمک کند، بطوریکه موجب عدالت آموزشی و اثربخشی تدریس در مدرسه گردد؟ در واقع این سوال مطرح می‌شود که بدین شکل چگونه مساجد به عنوان نماینده حاکمیت و مدارس به عنوان نماینده حکومت در هم عجین شده و نیازهای متقابل یکدیگر را برآورده سازند؟ در ادامه به این موضوع خواهیم پرداخت که با استفاده از تغییر در ساختار بودجه‌ریزی مدارس می‌توانیم موجب تقاضای مدیریت مدارس از مساجد جهت جذب دانش‌آموزان بی‌بضاعت بمنظور افزایش عدالت آموزشی شویم.

۶- سازوکار افزایش دسترسی دانش‌آموزان به آموزش بمنظور افزایش عدالت آموزشی

دیویس و نیواستورم (۲۰۰۲) مشارکت را درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیتهای گروهی می‌دانند که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدفهای گروهی یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. بدین ترتیب بمنظور ایجاد تعامل پایدار بین دو نهاد تاثیرگذار در فرهنگ مدارس نیازمند شناسایی مساله حساس و تعیین‌کننده‌ای شد که ماموریت مشترک این دو نهاد عظیم می‌باشد و آن عدالت آموزشی است.

موانع ایجاد عدالت آموزشی در مدارس عبارتند از: - عدم توانایی مدارس در صورت کسب اختیارات جذب دانش‌آموزان برای تامین اعتبار. - عدم تمکن مالی خانوارها برای پرداخت شهریه. برای رفع مانع اول همانطور که گفته شد نیاز است منابع مالی برای جذب دانش‌آموزان شناسایی گردد. مهمترین منبع مالی برای جذب این دانش‌آموزان سرانه دانش‌آموزی است که به آموزش و پرورش اختصاص داده می‌شود. سوال این است چگونه می‌توان این منابع مالی را به نحوی به دانش‌آموزان تخصیص دهیم که ضمن بهره‌برداری مدارس از اعتبار داده شده، روند جذب دانش‌آموزان را شدت بخشد؟ بدین منظور نیازمند تعریف هرمنوتیک و ذاتی تخصیص سرانه دانش‌آموزی هستیم. با تعریف ماهیت ذاتی سرانه آموزشی

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

می‌توان از سرانه دانش‌آموزی حداکثر بهره‌برداری را نمود و بطوریکه دسترسی بیشتر دانش‌آموزان پیش‌دبستانی را برای استفاده با کیفیت و اثربخشی آموزشی موجب شود (حسنی شلمانی، ۱۳۹۳).

سرانه آموزشی در واقع قراردادی است که براساس آن دولت مالکیت خود را بر بخشی از آموزش جامعه، به مدارس تفویض می‌کند تا موجب توسعه فرصت‌های آموزشی در جامعه گردد. حال اگر تعریف سرانه آموزشی به شکل دیگری تعریف گردد و سرانه آموزشی قراردادی تلقی شود که دولت مالکیت خود را در آموزش جامعه به دانش‌آموزان (سرپرست آنها) تفویض نماید در واقع بدین صورت اعتباری به دانش‌آموزان داده خواهد شد که مدارس برای جذب این اعتبار (دانش‌آموزان) رقابت خواهند نمود. بدین صورت اعتبار فردی دانش‌آموزان در مدارس در شرایط پایداری قرار خواهد گرفت و اعتبار دانش‌آموزان براساس تصمیمات متعدد مدیران مختلف با سلیق فردی و سیاسی متفاوت در برنامه‌های توسعه تغییر نمی‌یابد. در واقع بدین نحو اعتباری به دانش‌آموزان داده خواهد شد و دانش‌آموزان به عنوان سرمایه‌های اجتماعی نگریده خواهد شد.

بمنظور تحقق این مهم از ابزار حواله آموزشی^۳ به عنوان شاخصی برای تعیین سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان می‌توان استفاده نمود. اما چگونگی استفاده از آن نیازمند تغییر اساسی در ساختار اداری- مالی در آموزش و پرورش دارد. در واقع حواله آموزشی موجب افزایش دسترسی والدین به امکانات آموزشی کودکان خود و توسعه فرصت‌های آموزشی می‌شود، اما با توجه به تفاوت‌های فردی والدین در استفاده از آن نیازمند نظارت و هدایت واحد پشتیبانی مالی آموزش و پرورش است. چنین نظارتی را می‌توان از طریق ساختاری ترسیم کرد که بتواند حواله آموزشی را در قالب آن به والدین ارائه دهد. بطوریکه همگرایی نهادهای مرتبط را نیز فراهم نماید.

برای چنین ساختاری براساس اصل ۳۰ قانون اساسی نیازمند تصویب لایحه‌ای هستیم که به موجب آن سرانه دانش‌آموز در قالب حواله آموزشی به تعداد دانش‌آموزان در مدارس در نظر گرفته شود به این ترتیب دانش‌آموزان محروم به مانند سایر دانش‌آموزان حق مساوی آموزش را بطور قانونمند دریافت می‌کنند و براین اساس با توجه به قانونمند کردن حق آموزش برای هر دانش‌آموز مبتنی بر تورم سالانه این حق تغییر خواهد یافت. در اینصورت شفافیت هزینه بودجه در آموزش و پرورش موجب اختصاص یافتن بودجه دقیق مطابق با هزینه‌های موجود آموزش و پرورش خواهد شد. بر همین اساس نیز شفافیت در تخصیص بودجه و ساماندهی نیروی انسانی در آموزش و پرورش رقم خواهد خورد. بعبارتی مدارس نیاز خود را برای جذب معلمان براساس میزان اعتباری که از جذب دانش‌آموزان دریافت کرده‌اند اعلام خواهند کرد.

افزایش اعتبار فردی دانش‌آموزان مستلزم همگرایی نهادهایی است که از برون‌دادهای آموزش و پرورش بطور مستقیم و غیرمستقیم منتفع می‌شوند. ایجاد همگرایی نهادها نیز نیازمند ترسیم ساختاری برای آموزش و پرورش است که براساس آن ساختار، نیازی را برای همگرایی نهادهای ذیربط بوجود آورد. لذا برای رفع مانع دوم در گام اول، نیازمند همگرایی سایر نهادها برای افزایش تمکن مالی خانوارهایی هستیم که دچار بی‌بضاعتی مالی شده‌اند. چنین همگرایی مستلزم ایجاد ساختاری تعریف شده با تدوین قراردادهای مابین مدارس و وزارتخانه مصوب شورای عالی فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش و تدوین دستورالعمل‌ها و وظایف برای جذب کمک‌های کوچک مردمی است. این دستورالعمل‌ها و وظایف می‌تواند موجب تسهیل جذب دانش‌آموزان بی‌بضاعتی باشد که از سوی مدارس معرفی می‌گردند.

۷- نقش مشارکت مساجد و مدارس در افزایش عدالت آموزشی

استیگلیتز به نقل از مایر (۱۳۸۲) معتقد است که فعالیت‌های انجام شده در سطح خرد می‌تواند پیامدهایی در سطح کلان داشته باشد. در این شرایط کوچکترین نوسانات منجر به تغییرات بزرگ می‌شود. این ویژگی در مدیریت به اثر پروانه‌ای معروف است. این نظریه برای سیاستگذاران فرهنگی حامل این پیام است که برای انجام تغییرات بزرگ نیاز به دستگاه‌های طویل نیست، بلکه باید نقاط حساس و تعیین‌کننده را پیدا کرد و با اعمال تغییر کوچک، فرهنگ اسلامی کشور را به سوی تغییرات بزرگ هدایت کرد. بوجد آوردن احساس تعامل مبتنی بر عدالت توسط مساجد برای مدارس موجب ایجاد فرهنگ سازمانی همگرای مدارس با مساجد در جهت اهداف عالی نظام اسلامی خواهد شد. بدین شکل فرهنگ وقف، جود، تعاون، ایثار، حیات و سایر احکام اقتصادی خواهد گردید.

همواره از جذب پایدار منابعی پنهان مانند کمک‌های کوچک مردمی در فرهنگ اسلامی خود غافل بوده‌ایم؛ ساختارمند کردن این منابع پنهان با توجه به فرهنگ اسلامی موجود در کشور می‌تواند گامی اساسی در توسعه عدالت آموزشی و غنای فرهنگ اسلامی-ایرانی در جامعه باشد. بهره‌برداری از این ویژگی اصیل اسلامی در جامعه مستلزم همگرایی نهادهایی است که در اشاعه فرهنگ اسلامی نقش دارند. علاوه بر این بهره‌گیری ساختارمند و مستمر از کمک‌های کوچک مردم خیر، بسیار بیشتر از کمک‌های کلان خیرین مدرسه‌ساز می‌تواند بر دسترسی دانش‌آموزان محروم از تحصیل تاثیر بگذارد. شاید یکی از دغدغه‌های اساسی جامعه در جذب کمک‌های کوچک مردمی عدم شفافیت در پرداخت کمک‌ها باشد در حالیکه با ایجاد ساختار و وظایف مشخص برای مدارس و نهادهای مرتبط و شناسایی این کودکان توسط مدارس و تعمیق ارتباط مدارس با نهادهای خیریه و مساجد و ایجاد ارتباط مستقیم کمک‌های کوچک مردمی با دانش‌آموزان محروم این دغدغه برطرف خواهد شد.

شناسایی کودکان بی‌بضاعت توسط هیات امنای مدارس که بدنبال جذب دانش‌آموز و افزایش اعتبار مدرسه هستند موجب تعمیق ارتباط مدارس با نهادهای خیریه محلی مانند مساجد و غیره خواهد شد. با ایجاد ساختار و بهره‌گیری از همگرایی نهادهای مرتبط مانند مساجد محل و سایر نهادهایی که در زمینه خیریه می‌توانند فعال باشند و تعیین شاخص‌ها و وظایف برای این مشارکت‌کنندگان بیرونی با مدارس می‌توان از منابع پنهان کمک‌های کوچک مردمی اما بطور ساختارمند بهره‌مند شویم که موجب افزایش همدلی فرهنگی و اجتماعی نیز خواهد شد که خود موجب توسعه فرهنگ غنی اسلامی است.

در صورتی که ساختار به نحوی ترسیم شود که شرایط رقابت‌پذیری مدارس نیز فراهم شود مدارس نیاز خود را برای جذب حداکثری دانش‌آموزان (بمنظور دریافت سرانه دانش‌آموزی بیشتر از آموزش و پرورش) از طریق ارتباط با نهادهای محلی مانند مساجد و انجمن‌های خیریه برقرار خواهند کرد و زمینه را برای تحصیل کودکان محروم با استفاده از جذب کمک‌های کوچک مردمی فراهم خواهند ساخت. عبارتی خود مدارس به دنبال دانش‌آموزان بی‌بضاعت و محروم و جذب آنان در مدرسه برای تحصیل قرار خواهند گرفت. بالطبع چنین نیازی از سوی مدارس می‌تواند زمینه ترسیم ساختار و شرح وظایفی مشخص را برای همگرایی نهادهایی مانند مساجد و یا انجمن‌های خیریه محلی فراهم نماید. چنین نهادهایی نیز می‌توانند با شناسایی کودکان محروم، ارتباط این کودکان را با افراد خیری فراهم سازند که توانایی پرداخت کمک‌های مردمی بطور مستقیم به کودکان را دارند.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

در گام دوم پس از تصویب قانونمند اعتباربخشی جذب دانش‌آموزان مدارس نیازمند تقویت مدیریت مدارس هستیم. توانمندسازی مدیریت مدرسه مستلزم شفاف‌سازی عملکرد مدرسه و بهبود عملکرد و نظارت مدرسه است. برای رسیدن به این مهم نیازمند بسیج حداکثری منابع انسانی و نهادی است که در ارتباط با مدارس قرار می‌گیرند. بدین صورت ذینفعان مرتبط با مدرسه خود را قادر می‌سازند کنترل بیشتری بر خود و محیط‌شان اعمال کنند. لذا نیاز است ساختار مدارس به نحوی طراحی شود که مدارس در جذب دانش‌آموز، جذب معلم و ارتباط با محیط پیرامون خود که نهادهای متولی مانند انجمن‌های خیریه و مساجد هستند مستقل عمل کنند. چنین ساختاری با استفاده از فرآیند رقابتی کردن مدارس و تعیین شاخص‌های رشد حرفه‌ای معلمان و تعیین شاخص‌های رتبه‌بندی مدارس توسط وزارتخانه آموزش و پرورش به سمت افزایش کیفیت مدارس سوق پیدا خواهد نمود. پس از ایجاد قوانین و مقررات و برداشتن موانع قانونی مرتبط با تخصیص سرانه دانش‌آموزی بمنظور جذب حداکثری دانش‌آموزان و دسترسی بیشتر دانش‌آموزان به مدارس و همچنین تدوین تمرکززدایی آموزش و پرورش با واگذاری مدارس، در این مرحله نیازمند این هستیم که چگونگی واگذاری مدارس را برای افزایش کیفیت آموزش مورد بررسی قرار دهیم.

بنظر می‌رسد مهمترین مساله‌ای که کارآمدی مدارس را چه از نظر جذب دانش‌آموزان و چه از نظر کیفیت آموزش مخدوش کرده است عدم وجود بازار رقابتی برای مدارس است. نبود بازار رقابتی موجب شده است که کارآمدی مدارس از نظر کیفی به حداقل برسد. بازار رقابتی در هنگامی اتفاق می‌افتد که در یکطرف تقاضا برای آن وجود داشته باشد و از سوی دیگر عرضه برای جذب تقاضا وجود داشته باشد. در غیر اینصورت بازار بصورت انحصاری اداره خواهد شد که در آن عرضه با هر کیفیتی که ارائه شود مشتری ناچار به مصرف آن خواهد بود. چیزی که هم‌اکنون در مدارس دولتی دیده می‌شود انحصارگرایی مدارس برای عرضه آموزشی است. برای مدارس دولتی رقابت آموزشی وجود ندارد چون عرضه آموزشی (مدارس)، بدنبال جذب تقاضا نیست و برای این مدارس خیلی بهتر خواهد بود که حتی اگر تعداد دانش‌آموزان کمتری را جذب کند چون در دسر کمتری دارند و برای مدارس خصوصی رقابت وجود ندارد چون تقاضای آموزشی برای این مدارس در چند دهک بالای طبقات اقتصادی محدود شده اند.

بنابراین برای رقابتی کردن مدارس که کارآمدی مدارس را رقم می‌زند، نیاز به تنظیم بازار تقاضا و افزایش دسترسی دانش‌آموزان و عرضه آموزشی با کیفیت برای این دانش‌آموزان است. برای ایجاد بازار رقابتی آموزشی در وهله اول نیازمند توسعه تقاضای آموزشی هستیم. یعنی اینکه بتوانیم دسترسی دانش‌آموزان که در دهک پایین جامعه قرار دارند را به مدارس با ویژگیهای بخش خصوصی ممکن سازیم. بدین نحو توسعه تقاضای آموزشی دانش‌آموزان موجب فراهم آمدن عرضه آموزشی با کیفیت توسط مدارس خواهد شد. از سوی دیگر از آنجایی که ویژگیهای مدارس با سایر سازمان‌ها متفاوت است، امکان شرایط کاملاً خصوصی بدلیل ملاحظات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و غیره در هیچ جامعه‌ای وجود ندارد. در این حالت، چکار کنیم که ۱- مدارس ما رقابت پذیر شوند؟ یعنی کارآمد شوند. ۲- برای رقابت، تقاضای والدین بی‌بضاعت را افزایش و عرضه آموزشی با کیفیت برای دانش‌آموزان ایجاد کنیم ۳- ویژگیهای آموزش را برای دانش‌آموزان که مبتنی بر ارزشها و فرهنگ اسلامی-ایرانی باشد در نظر بگیرد. عبارتی ساختاری ترسیم گردد که مشارکت چندگانه ذینفعان آموزشی (دولت، مدرسه و والدین) را سبب گردد. بنابراین نیازمند الگویی هستیم که موجب مشارکت چندگانه ذینفعان آموزشی (دولت، مدرسه و والدین) گردد. لذا برای استفاده بهینه از ظرفیتهای موجود در آموزش و پرورش برای

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

کودکان نیازمند ترسیم ساختاری برای مدارس است که در آن از یکطرف تقاضای بازار آموزش خصوصی توسعه یافته و از سوی دیگر عرضه در بازار آموزش، پاسخگوی ارزشهای اسلامی-ایرانی جامعه و منویات آموزش و پرورش باشد.

۸- نتیجه گیری و ارائه چارچوب

پیچیدگی آموزش و پرورش موجب می‌گردد که برای حل مسائل آموزش و پرورش برنامه‌ریزی استراتژیک یعنی نگاه همه جانبه به مولفه‌های تاثیرگذار بر اهداف داشته باشند. اما بمنظور اجرایی شدن این برنامه نیازمند شروع از نقطه‌ای هستیم که بیشترین تاثیر را بر سایر مولفه‌ها بگذارد و موجب تحریک بمنظور پیشرفت همه جانبه در آموزش و پرورش گردد. مقاله حاضر با استفاده از سود ارتباطی که می‌تواند تبیین بهتری از عدالت آموزشی مبتنی بر تعامل بین آموزش و پرورش و نهادهای محلی بویژه مساجد داشته باشد؛ درصدد تعیین نقطه عزیمت برنامه‌ریزی استراتژیک بمنظور تاثیرگذاری همه جانبه بر اهداف آموزش و پرورش است.

این نگاه استراتژیک بر آموزش و پرورش از یکسو موجب تحقق بند ۸ از تدابیر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در راستای ارتقای موقعیت شغلی، کرامت و منزلت معلمان محسوب می‌گردد و از سوی دیگر ساختار مدارس را به گونه‌ای ترسیم خواهد کرد که موجب ترویج و توسعه فرهنگ مسئولیت‌پذیری، روحیه مشارکت جمعی و توانمند و خلاق در میان معلمان، والدین و دانش‌آموزان گردد که تبیین کننده بند ۷ از تدابیر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محسوب می‌گردد.

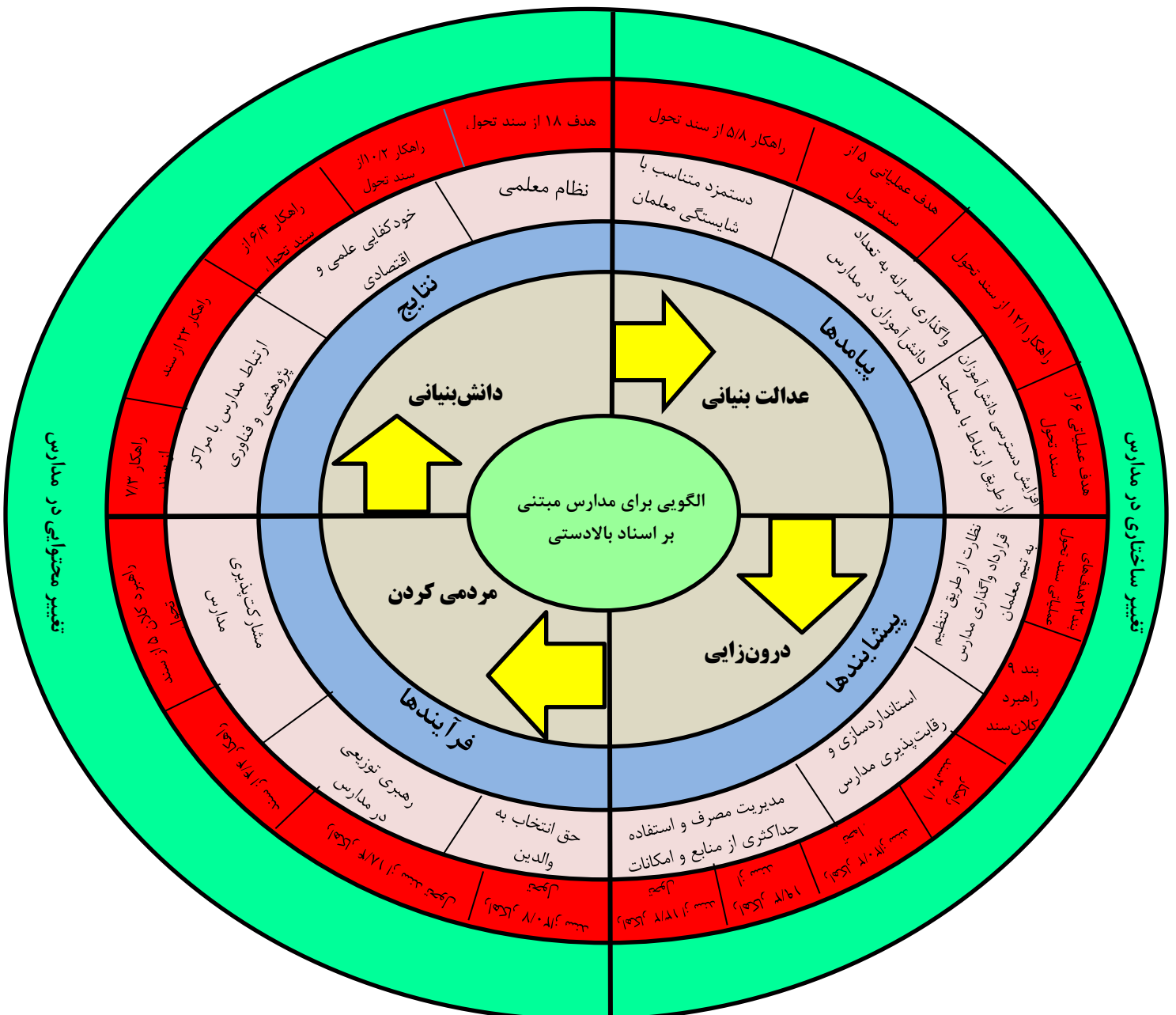
از آنجاییکه افراد در جوامع بدلیل وجود موانعی، از فرصت‌های یادگیری و پیشرفت تحصیلی بطور یکسان برخوردار نیستند؛ سیاست دولت باید بر این اساس پایه‌ریزی شود که توانایی گروههای محروم و افرادی که از نظر نیل به اهداف تحصیلی و دستیابی به یادگیری در سطح پایین قرار دارند بهبود بخشیده شود.

برای میزان ارتقاء عدالت آموزشی دو راه امکان‌پذیر است: اول تکیه بر طیف وسیعی از صلاحیتها که باعث می‌شود نهادهای آموزش و پرورش و مساجد مهارتهای مورد نیاز خود را برای تعامل در برقراری عدالت آموزشی تبیین کنند. دوم بوجود آمدن نظام پاسخگویی که به دانش‌آموزان و خانواده‌ها برای انتخاب درست و آگاهانه کمک می‌کند. چون بخش قابل توجهی از عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش محقق می‌گردد؛ بنابراین نقش آموزش و پرورش در تحقق عدالت آموزشی می‌تواند از پیامدهای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت تلقی گردد. لذا نیاز است تا الگویی فراهم شود که پیامدهای آن تحقق عدالت آموزشی در آموزش و پرورش قرار گیرد. این الگو اگر بر پایه سود ارتباطی مدارس بنا گردد موجب خواهد شد موجب تعادل در حفظ ارزش‌های اسلامی حاکم بر فرهنگ جامعه و نظام آموزشی خواهد گردید.

بدین طریق مدارس به عنوان بنگاه اقتصادی برای افزایش سود اقتصادی خود فعالیت نخواهند کرد بلکه در جهت تعمیق ارتباط خود با اکوسیستم و محیطی که در آن قرار دارند گام برخواهند داشت. چنین فعالیتی موجب تحقق راهکار ۷/۲۰ از سند تحول بنیادین خواهد داشت که بر ارتباط مدارس با مساجد و نهادهای علمی تاکید دارد.

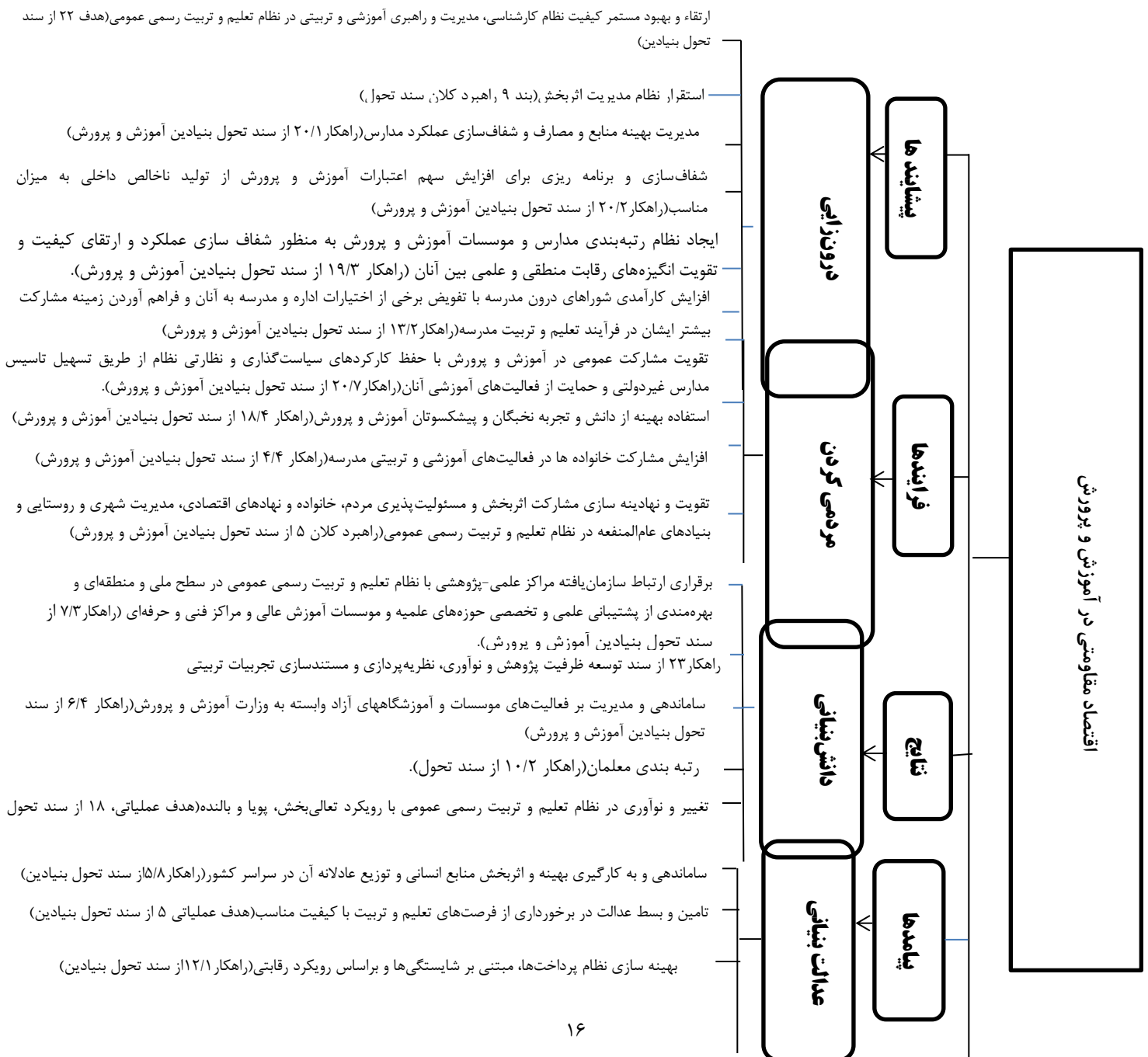
هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبران ما، چالش ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

مدل نظری ترسیم ساختار مدارس مبتنی بر اسناد بالادستی



هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

کاربست اجرای سند تحول بر اساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت



—

تنوع بخشی به محیط‌های یادگیری در فرآیند تعلیم و تربیت رسمی عمومی (هدف عملیاتی، ۶ از سند تحول بنیادین)

با واگذاری مدیریت مدارس به تیمی از معلمان واجد شرایط آموزش و پرورش از یکسو و از سوی دیگر پرداخت سرانه دانش‌آموزی به مدارس به تعداد دانش‌آموزی که جذب می‌کنند رقابت‌پذیری مدارس برای جذب حداکثری دانش‌آموز افزایش یافته و مدارس بدین منظور بدنبال افزایش کیفیت خود خواهند بود. بدین صورت اتفاقی که خواهد افتاد این است که ساختاری برای مدارس ترسیم خواهد شد که براساس آن قراردادی بین مدارس و آموزش و پرورش تنظیم گردد، این رویه از قرارداد موجب بوجود آمدن سود ارتباطی مدارس با وزارتخانه خواهد شد چراکه:

الف) دسترسی بیشتر کودکان بی‌بضاعت به مدارس خواهد شد. عبارتی مدارس بدنبال جذب کودکان بی‌بضاعت خواهند بود نه والدین به دنبال ثبت‌نام کودک خود در مدارس. در این حالت مشارکت مساجد در تامین مایحتاج آموزشی دانش‌آموزان بی‌بضاعت از طریق جذب کمک‌های خیرین می‌تواند گام اساسی را در ارتباط مدارس و مساجد برقرار نماید. در این حالت شورای مدرسه می‌تواند متشکل از نماینده مساجد برای جذب حداکثری دانش‌آموزان شود.

ب) چنین ارتباط اولیه مدرسه با مساجد موجب تعمیق بیشتر ارتباط مدرسه با مسجد خواهد شد بطوریکه موجب تسری انتقال فرهنگ اسلامی مبتنی بر سنت در جامعه خواهد شد.

ب) مدارس واگذار شده (به تیم معلمان) براساس قرارداد تنظیم شده توسط شاخص‌های تعیین شده شورای عالی فرهنگی کشور و شورای عالی آموزش و پرورش فعالیت خواهند کرد. یعنی نظارت آموزش و پرورش بر مدارس دقیق‌تر و سنجش‌پذیر خواهد شد و قابلیت اندازه‌گیری خواهد داشت. و مدارس در قالب قرارداد مجموعه‌ای از رویکردهای مورد نیاز را برای دستیابی به نتایج مورد نیاز طرح‌ریزی می‌کنند و توسعه می‌دهند.

ج) آموزش و پرورش بدنبال تعریف هرچه دقیق‌تر برای رتبه‌بندی معلمان، مدارس و براساس شاخص‌های علمی قرار خواهد گرفت.

د) مدارس رویکردهای جاری را براساس پایش و تحلیل نتایج کسب شده و فعالیت‌های یادگیری مستمر ارزیابی و اصلاح می‌نمایند. بدین صورت به کیفیت بخشی فعالیت آموزشی می‌پردازند.

ز) مدارس نتایج مورد نیاز خود را بعنوان بخشی از استراتژی خود برای تنظیم فعالیت هر ساله خود برای جذب بیشتر دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و استفاده از معلمان با رتبه آموزشی بهتر تعریف می‌کنند.

س) ساماندهی نیروی انسانی برای مدارس شکل خواهد یافت و مدارس براساس پایش و تحلیل نتایج آموزشی خود به جذب معلمان شایسته‌تر خواهند پرداخت.

ص) رتبه بندی مدارس اتفاق خواهد افتاد و مدارس براساس فعالیتی که مبتنی بر اجرای صحیح قراردادها است از رتبه برخوردار خواهند شد و رقابت خود را برای کسب رتبه بهتر افزایش خواهند داد.

ط) رتبه‌بندی معلمان موجب ترغیب آنان برای افزایش توانمندی خود خواهد شد.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

ع) پرداخت‌ها به معلمان یکسان نخواهد بود و براساس شایستگی آنان در کسب رتبه بهتر متفاوت خواهد بود.
ف) نظارت کلان آموزش و پرورش هر ساله موجب تعالی شاخص‌هایی چون رتبه‌بندی مدارس و معلمان و غیره با تحلیل اطلاعات دقیقی می‌شود که از مدارس کسب شده است.

منابع

- برنامه ششم (۱۳۹۹-۱۳۹۵) مستندات برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور
- حسنی شلمانی، محمد حسن (۱۳۹۳) پته آموزشی حق انتخاب یا مالکیت؟ فصلنامه تعلیم و تربیت.
- رفیعی، عطالله (۱۳۹۶) واقعیت و روش تبیین کنش انسانی در چهارچوب فلسفه اسلامی، مرکز پژوهش‌های صدا.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- علاقه بند، علی (۱۳۸۹). مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، تهران: نشر روان.
- قنادان، محمود (۱۳۹۱). جوایز نوبل اقتصاد. تهران: دانشگاه تهران.
- کارنوی، مارتین (۱۳۸۰). اقتصاد سیاسی در فرایند تولید آموزش و پرورش. ترجمه عبدالحسین نفیسی، دانشنامه اقتصاد آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- کشوری، علی، (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) نشست تبیین نقش اجتماعی مساجد با زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی، سخنرانی تاریخ ۱۴ تیرماه ۱۳۹۶ در جمع ائمه جماعات شهر ورامین.
- کشوری، علی؛ آموزش و پرورش آینده، سخنرانی در مدرسه علمیه امام صادق (ع) کرج، تدوین توسط شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، دیماه ۱۳۹۷.
- کوهن، کارل، دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، انتشارات خوارزمی، ص ۱۶۱، تهران، ۱۳۷۳
- مایر، جرالدا/ جوزف استیگلیتز (۱۳۸۲). پیشگامان اقتصاد توسعه؛ ترجمه دکتر غلامرضا آزاد (ارمکی)، تهران: نشر نی.
- مداحی، محمد ابراهیم، شاخص‌های ارزیابی و پایش تحقق سند چشم‌انداز، ناشر سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، ۱۳۹۳.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۴) بررسی جایگاه و عملکرد آموزش و پرورش در برنامه‌های توسعه، معاونت پژوهش‌های اجتماعی فرهنگی، دفتر: مطالعات اجتماعی
- نادری، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). سازوکار و الگوی مطلوب تخصیص منابع مالی برای آموزش و پرورش: مبانی، الزامات، عناصر و الگوریتم. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۰۴، ۵۹-۹۰.
- الوانی، سیدمهدی (۱۳۷۸) نظریه‌ی انتخاب عمومی و ضرورت تحول در ساختار اداری، فصلنامه بهبود مدیریت و تحول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- هادوی‌نیا، علی اصغر. (۱۳۷۹). مبانی نظری ساختار مالکیت از دیدگاه قرآن. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- www.maarefquran.com
- Montuori, Alfonso, Conti Isabella (1995) the meaning of partnership. www.partnershipway.org
- WorldBank (2017), <https://data.worldbank.org/indicator/SE.SEC.PRIV.ZS?contextual=default&locations=IR>